درباره یک ویدئو از حاشیه نماز جمعه تهران

جواب فحش، فحش نیست

علی مزروعی
خبرنگار گروه نقد روز

پس از برگزاری نمازجمعه هفته گذشته ویدئویی در فضای مجازی بازتاب یافت که نشان می‌داد تعدادی از افراد حاضر حین خروج از محل برگزاری به محمدجواد ظریف، رئیس شورای انتقالی دولت چهاردهم توهین می‌کنند. گرچه رفتار انتقادی رادیکال امری مذموم است اما در صحنه سیاسی برای جلوگیری از چنین رفتارهایی می‌شود اقداماتی را انجام داد و تا حد امکان از تشدید فضا جلوگیری کرد. چنین اقداماتی پس از یک انتخابات دوقطبی برای همه کاندیداها و ستادهای انتخاباتی‌شان ضروری است و پزشکیان به‌عنوان رئیس‌جمهور منتخب با توجه به مسئولیت اجرایی که برعهده گرفته عملکردش بیش از گذشته زیر ذره‌بین منتقدان قرار می‌گیرد. لذا او و ستادش نیز باید بیش از همه کاندیداهای انتخابات حواس‌شان باشد تا در تله تشدید دوقطبی گرفتار نشوند.

ورود به کارزارهای انتخاباتی دقت عمل می‌خواهد

ظریف در طول هشت سالی که در وزارت خارجه فعالیت اجرایی داشت هیچ وقت آن‌طور که روز جمعه هدف اظهارات توهین‌آمیز قرار گرفت مورد عتاب بدنه اجتماعی منتقدانش نبوده است. لذا ادبیاتی که برخی در روز جمعه خطاب به او به کار بردند را صرفا نمی‌توان در چهارچوب انتقاد به عملکرد او تعریف کرد. برای درک چرایی به وجود آمدن این تخاطب تند باید کنش انتخاباتی وزیرخارجه دولت دوازدهم را نیز لحاظ کنیم. ورود ظریف به کشمکش‌های انتخاباتی طبعا مواجهه منتقدان با او را نیز تشدید می‌کند؛ چراکه عرصه رقابت‌های انتخاباتی به دلیل فعالیت‌های هیجانی لیدرها و ستادهای انتخاباتی نزاع‌های سیاسی را تحت تاثیر قرار داده و وجه غیرمنطقی آن را قوت می‌بخشد. این نزاع هرچقدر از حلقه‌های اصلی پیرامونی فاصله گرفته و بدنه عمومی را بیشتر درگیر کند با شمایل غیرعقلانی بیشتری بروز پیدا می‌کند. اما اتفاق روز جمعه صرفا حاصل یک نزاع انتخاباتی نیست. محمدجواد ظریف بعد از پایان انتخابات با پذیرفتن ریاست شورای انتقالی دولت چهاردهم همچنان خود را در متن اتفاقات نگه داشته است. همین امر نیز ایجاب می‌کند تا او با حساسیت بیشتر اقدامات و اظهارات رسانه‌ای خود را مدیریت کند. امری که اگر صورت نگیرد تبعات اجتماعی و رسانه‌ای شدیدی را نیز در پی دارد.

انتقادات به ظریف از کجا شروع شد

محمدجواد ظریف چهارشنبه شب هفته گذشته در جریان گفت‌وگوی ویژه خبری در بخشی از صحبت‌های خود درمورد معیارهای تعیین‌شده برای اعضای کابینه گفت: «اگر [کاندیدای عضویت در کابینه]زن باشد ۱۰ امتیاز می‌گیرد و اگر مرد باشد هیچ امتیازی نمی‌گیرد. اگر از مذاهب و ادیان رسمی باشد امتیاز می‌گیرد و اگر مسلمان شیعه باشد امتیازی نمی‌گیرد.» این اظهارات بلافاصله دستمایه انتقاد کاربران فضای مجازی قرار گرفته و بازتاب داده شد. بسیاری از این جملات این‌گونه برداشت کرده بودند که مطابق معیارهای اعلام‌شده ارزش‌های جنسیتی و قومیتی برفضای انتخاب اعضای کابینه حاکم بوده و برخی نیز با شمشیر تیزتری شورای انتقالی را متهم کردند که برای یک زن غیرشیعه امکان راحت‌تری برای حضور در کابینه به نسبت یک مرد شیعه در نظر گرفته است. ظریف در واکنش به این انتقادات توضیح داد که منظورش از جمله بیان‌شده اعمال «تبعیض مثبت» بوده و توضیح داد: «تبعیض مثبت یک روش شناخته‌شده جهانی برای کاستن از نابرابری‌هاست و به معنی رهاکردن ارزش‌های جامعه ایران نیست.» این دفاع هیچ وقت به اندازه جمله اولیه بازتاب پیدا نکرده و اثری بر کاهش التهابات ایجادشده نگذاشت که البته اگر بازتاب نیز پیدا می‌کرد انتقادات قابل‌توجهی به آن وارد بود که آن را تا حد زیادی در مهار واکنش‌های اجتماعی ایجادشده عقیم می‌ساخت.»

اظهاراتی که به ضد خود تبدیل شد

دفاعیه تویتری محمدجواد ظریف اکنون در برابر این پرسش انتقادی قرار گرفته که برای جبران یک تبعیض احتمالی چرا یک ابزار تبعیض‌آمیز دیگر فعال شده است. برخی معتقدند اگر واقعا مطابق ادعای ظریف تبعیضی در استفاده از ظرفیت بانوان و قومیت‌ها وجود دارد راه صحیح آن شناخت کامل ظرفیت‌های مدیریتی بانوان و جوامع قومی و ممانعت از نادیده گرفتن شدن این ظرفیت‌هاست نه اینکه صرفا زن بودن یا از یک اقلیت دینی بودن مزیت حساب شده و اهرمی برای کنار گذاشته شدن افراد متخصص شود. به‌ویژه اینکه میزان توانایی اعضای کابینه معیشت روزمره تمام مردم ایران را تحت تاثیر قرار داده و نباید در انتخاب آنها به جای ویژگی‌های تخصصی نسبت‌های قومیتی لحاظ شود. این امر در دولتی که رئیس آن شعار انتخاباتی خود را تخصص‌گرایی انتخاب کرده و بدنه عمومی را ذیل این شعار با خود همراه کرده بیشتر از گذشته باید مورد توجه قرار گیرد. عدم توجه به این مساله باعث شد تا محمدجواد ظریف روز چهارشنبه جمله‌ای را به زبان بیاورد که به لحاظ فرم و محتوا جایی برای دفاع باقی نمی‌گذارد. اینکه رئیس جمهور در شرایطی برابر بخواهد بانوان یا چهره‌های منتسب به اقلیت‌های دینی را در کابینه به کار گرفته و شمولیت ملی خود را نمایان سازد امری پذیرفته شده است که اتفاقا می‌تواند در کاهش شکاف‌های قومیتی و پاسخ به مطالبات جنسیتی موثر واقع شود اما اگر این معیار نسبت به معیار تخصص کاندیداهای عضویت در کابینه در اولویت قرار گیرد اتفاقا به ضد خود تبدیل شده و نسبت به تفاوت‌های قومیتی و جنسیتی افراد انتخاب‌شده حساسیت ایجاد می‌کند.

یک سرطناب همدلی در دست پزشکیان و ستادش است

دولت برای افزایش بازدهی سیاست‌های اجرایی خود باید تمام تلاش خود را به کار گرفته تا میان بدنه حکمرانی و مردم انسجام ایجاد کرده و یک همسویی در مسیر اهداف خود به وجود بیاورد. در غیر این صورت بخش زیادی از زمان و امکانات خود را در میان نزاع‌های سیاسی و اجتماعی هدر می‌دهد. مسعود پزشکیان نیز با توجه به همین دلیل همدلی را یکی از شعارهای اصلی کمپین انتخاباتی خود قرار داد و اکنون نیز تلاش دارد تا در صحنه سیاسی و اجتماعی همین امر را مطالبه کند. اما این نکته نیز باید مورد توجه قرار گیرد که هر دو قطبی دو طرف دارد و اگر رئیس جمهور منتخب به دنبال ایجاد همدلی است باید خود و ستادش را نیز به همین سمت حرکت دهد. اگر چه یک طرف دعوا منتقدان هستند اما طرف دیگر آن را باید رئیس جمهور و ستاد تبلیغاتی و اجرایی‌اش مدیریت کنند. تلاش برای ایجاد همدلی زمانی نمره قبولی می‌گیرد که منادیان آن در بزنگاه‌های بحران‌زا محک خورده و در دام تقابل‌های مخرب گرفتار نشوند.

یک سوزن هم به اعضای شورای انتقال بزنید

درحالی‌که بخشی از بدنه حامیان پزشکیان پس از اتفاق روز جمعه بدنه منتقدان را آماج حملات خود قرار داده و روایتی مظلومانه از رفتار اعضای ستاد پزشکیان ارائه می‌دهند باید آنها را به این امر نیز متوجه کرد که پاسخی برای اظهارات شکاف‌زای بدنه خود فراهم آورند. آنها قبل از اینکه همچون ترامپ دست به دامن پانسمان و روایت‌های حماسی شوند باید اظهاراتی از خودشان را نیز به خاطر بیاورند که رفتار هواداران ترامپ در اشغال کنگره آمریکا را بازنمایی می‌کند. در این باره علاوه بر اظهارات روز چهارشنبه ظریف مصادیق دیگری نیز وجود دارد که اثر آنها بر تقویت شکاف‌های اجتماعی قابل بررسی است. در بین این مصادیق توییت آذری جهرمی مبنی بر طالبان خطاب کردن رقیب انتخاباتی و هواداران او تا مدت‌ها در فضای اجتماعی مرور شده و بعید است قابلیت پاک شدن از حافظه تاریخ سیاسی معاصر را داشته باشد. علاوه بر آذری جهرمی شخصیت‌های دیگری نیز در ستاد انتخاباتی پزشکیان حضور دارند که اظهارات‌شان هم دعوت به ایجاد شکاف می‌کند و هم به منتقدان برای اقدام متقابل انگیزه می‌دهد. محسن رنانی از جمله این افراد است. این اقتصاددان که نظرات سیاسی و اجتماعی‌اش در فضای نخبگانی بازتاب زیادی پیدا می‌کند در متنی که پیش از انتخابات منتشر کرده از صحنه انتخابات ۱۴۰۳ تلویحا میدانی برای تمرین آشوب ساخته و می‌نویسد: «رئیس‌جمهور که اکنون قدرت دوم یا حتی سوم کشور محسوب می‌شود، در لحظه جانشینی یعنی وقتی هنوز رهبر ناشناخته و بی‌کاریزمای جدید مستقر و اقتدار پیدا نکرده است، به‌طور بالفعل بالاترین اقتدار را خواهد داشت. از آنجا که تمام ابزارهای اجرایی و مالی و بروکراتیک دست رئیس‌جمهور است و رهبر جدید هنوز بر اوضاع مسلط نیست در عمل رئیس‌جمهور قدرت اول را خواهد داشت. بنابراین در لحظه جانشینی و در غیاب کاریزما این رئیس‌جمهور است که عملا تعیین می‌کند رفتار نیروهای امنیتی و انتظامی در برابر حضور احتمالی مردم در خیابان‌ها چه باشد و آیا نیروهای نظامی هم در اوضاع مداخله کنند یا نه.» استفاده از ادبیات اینچنینی که موجودیت نظام اسلامی را نشانه رفته طبیعتا بخش زیادی از بدنه نخبگان اثرگذار در عرصه حکمرانی را درمورد غایت دولت پزشکیان و اهداف آن دچار تردید کرده و انتقادات آنها را برمی‌انگیزد. درچنین فضایی از رئیس‌جمهور که خود را داعیه‌دار همدلی می‌داند این توقع می‌رود که مدیریت بهتری بر ترکیب اعضای ستاد و هدایت رفتارهای سیاسی آنها به خرج دهد.»

لیدرهای انتخاباتی برای پساانتخابات هم برنامه داشته باشند

اگرچه نگاه دلسوزانه ایجاب می‌کند که در فضای انتخاباتی کاندیداها و ستادهای تبلیغاتی‌شان از دامن زدن به شکاف‌های اجتماعی پرهیز کرده و بر تبلیغ مزیت‌های رقابتی خود تمرکز کنند اما اگر بروز برخی رفتارهای دوقطبی‌ساز را اجتناب‌ناپذیر تلقی کنیم باید برای درمان آن برنامه داشته باشیم. کاندیداهای انتخاباتی که خواسته یا ناخواسته در به‌وجودآمدن شکاف‌های سیاسی و اجتماعی در جامعه اثر گذاشته‌اند نباید فعالیت‌های سیاسی‌شان را به دو هفته پیش از انتخابات محدود کرده و پس از روز انتخابات جامعه‌ها را با انبوهی از نزاع‌ها رها کنند. در ایام پساانتخابات پیشبرد بهتر امور کشور نیاز به جلب پشتوانه مردمی و ایجاد همبستگی دارد لذا توقع می‌رود هریک از کاندیداها هدایت بدنه حامیان خود را در دست گرفته و مانع از تبدیل رقابت‌های انتخاباتی به بحران‌های اجتماعی شوند.

رادیکال‌ها رهبری را هم قبول ندارند؟

رفتارهای تند علیه شخصیت‌های نظام بارها توسط رهبر انقلاب نهی شده است. خرداد ماه سال ۱۴۰۱ نیز در سالگرد رحلت امام‌خمینی(ره) رهبر انقلاب به شعارهایی که برخی حین سخنرانی سیدحسن خمینی علیه او سردادند واکنش نشان داده و بیان داشتند: «شنیدم، به من خبر دادند که امروز در اثنای سخنرانی جناب آقای حاج‌حسن آقای خمینی کسانی سروصدا کردند. بنده با این کار مخالفم، با این نوع تخریب کردن‌ها و سروصدا کردن‌ها بنده موافق نیستم، من مخالفم؛ این را همه بدانند. امیدواریم ان‌شاءالله خدای متعال همه ما را به راه راست هدایت کند.» برهم‌زدن سخنرانی شخصیت‌های مختلف با هدف بیان اعتراض به مواضع سیاسی آن شخصیت هیچ‌گاه مورد تایید رهبر انقلاب نبوده است و همین مساله تذکر چندباره رهبری را نیز به‌دنبال داشته. برای نمونه ایشان در واکنش به یکی از بی‌اخلاقی‌ها گفته‌اند: «بنده می‌بینم گاهی افرادی، جوان‌های احتمالا صالح و مومنی، با یک کسی یا جلسه‌ای مخالفند؛ بنا می‌کنند هیاهو کردن، جنجال کردن و شعار دادن. من با این کارها موافق نیستم؛ هیچ فایده‌ای ندارد؛ فایده در تبیین و کار درست و هوشمندانه است.»

علی‌رغم تذکرهای متعدد رهبر انقلاب اما بازهم شاهد بروز این رفتارهای مخرب و غیرسازنده هستیم. تکرار این مساله در نمازجمعه اثرات نامطلوب بیشتری درپی دارد که ازجمله آن می‌توان به مرجعیت‌زدایی از این نهاد سیاسی و معنوی اشاره کرد. نمازجمعه که نماد وحدت مسلمین بوده و تذکرات اخلاقی جزء لاینفک آن محسوب می‌شود نباید دستاویز اقدامات غیراخلاقی وحدت‌شکن قرار گیرد. لذا این توقع می‌رود که جامعه مومنان در مقابله با چنین اتفاقاتی هشیارانه عمل کرده و مانع از بروز رفتارهای نابخردانه و احیانا عامدانه‌ای شود که عایدی جز ذبح آگاهی و منافع ملی درپی ندارد.

محمد خزائی، حاجی ایرانی که بیش از ۳۰ روز است توسط دولت عربستان دستگیر شده

حاجی احرام دگر بست!

دستگیری حجاج ایرانی در عربستان و توسط دولت عربستان، تقریبا پیشینه‌ای قدیمی دارد و هرچندسال در زمان برگزاری حج، دولت عربستان به‌دلایل مختلف حجاج ایرانی را دستگیر می‌کند. سال ۱۴۰۱ خلیل دردمند، حاجی ایرانی در نزدیکی بیت‌الله‌الحرام و به‌دلیل ثبت عکس حاج‌قاسم روبه‌روی خانه خدا دستگیر شد و ۸۰ روز در اسارت دولت عربستان بود. دردمند پس از آزادی گفته بود در تفهیم اتهام به او گفته بودند جرمش اخلال در نظم عمومی مسجدالحرام است. امسال نیز در روزهای نخست اعزام زائران ایرانی به حج تمتع، ۶ نفر از تیم رسانه‌ای صداوسیما به اتهام فیلمبرداری و کار رسانه‌ای بدون مجوز، بازداشت و قبل از انجام مناسک حج به کشور بازگردانده شدند. پیمان جبلی، رئیس رسانه ملی حتی در این باره گفته بود که «این اتفاق برای ما هم عجیب بود و هنوز هم از علل آن مطلع نیستیم.»

همچنین حجت‌الاسلام سیدکاظم روح‌بخش نیز به‌دلیل انتشار مطالبی علیه رژیم‌صهیونیستی در فضای مجازی، ۲۰ روز در عربستان بازداشت و ۲۵ تیر از دبی به ایران بازگشت. چند روزی است که خانواده حاجی ایرانی محمد خزائی اعلام کرده‌اند که این حاجی جوان ایرانی، ۳۰ خردادماه و در مسجدالحرام توسط دولت عربستان دستگیر شده و حالا ۳۰ روز است که از او هیچ‌گونه خبری ندارند. همسر خزائی به «فرهیختگان» گفته است تنها خبری که از همسرش دارد، تایید دستگیری او توسط دولت عربستان و از سوی مسئولان این کشور است. آن‌طور که این حاجی ایرانی به مادرش گفته ماموران عربستانی در رابطه با فعالیت ضدصهیونیستی او در شبکه اجتماعی ایکس توضیحاتی خواسته‌اند.

با وجود بهبود روابط دیپلماتیک با عربستان، اما نکته قابل توجه در این ماجرا این است که متاسفانه میزبان حج، هرساله به‌دنبال بهانه‌های غیرمنطقی برای برخورد با حجاج ایرانی است. با توجه به حساسیت‌ها و موانع بالای دولت عربستان در زیارت ائمه بقیع و مناسک شیعی در سال‌ها و دهه‌های قبل، انگار باید حجاج ایرانی در برخی کارها رندی بیشتری به خرج دهند تا عربستان نیز در جریان برگزاری حج، نتواند برای حجاج ایرانی کارشکنی ایجاد کند.

همسر حاجی دستگیرشده ایرانی: همسرم را در مسجدالحرام دستگیر کردند

فائزه تکلو، همسر حاجی دستگیر شده ایرانی محمد خزائی، درباره شرایط دستگیری همسرش به «فرهیختگان» گفت: «همسرم وقتی نوجوان بود، پدرش را در یک سانحه تصادف از دست می‌دهد. حجی که همسرم رفته است، به نیابت از پدرش و به نام پدرش همراه با مادرش بود. پس از اینکه اعمال حجش را انجام می‌دهد ۳۰ خردادماه در همان اطراف خانه خدا در مسجدالحرام باب حضرت علی(ع) دستگیر می‌شود. چند نیروی عربستانی هنگام نماز به همسرم گفته بودند که شما باید درباره محتوای صفحه‌تان در شبکه اجتماعی ایکس و فعالیت‌تان در این شبکه اجتماعی توضیحاتی ارائه دهید. آرام با مادرش موضوع را مطرح می‌کند و همراه با نیروهای امنیتی می‌رود. پس از چند ساعت در مسجدالحرام دنبال همسرم می‌گردد و اتفاقی او را می‌بیند. بعد از بی‌تابی و گریه، ماموران امنیتی همسرم و مادرش را به نهاد امنیتی مربوطه می‌برند و دستگیر شدنش را به مادرش می‌گویند.» تکلو در توضیح ماجرای دستگیری خزائی گفت که این آخرین دیدار مادر همسرش با همسرش بود و از آن روز به بعد دیگر هیچ دیدار، تماس، خبر یا اطلاعات جدیدی از محمد خزائی نداشته‌اند.

حتی از سلامتی همسرم نیز باخبر نیستند

همسر خزائی همچنین عنوان می‌کند که مادر همسرش پس از دستگیری همسرش، در ابتدا به کاروان اطلاع داده و بعد هم با حراست بعثه جریان را درمیان گذاشته بود. ظاهرا مدیر کاروان به‌دلایلی نمی‌توانست خودش را به مادر محمد خزائی برساند و به او می‌گوید مساله را با حراست بعثه درمیان بگذارد. مادر محمد خزائی فردای دستگیری پسرش توسط عربستان، به کنسولگری و بعثه مراجعه می‌کند. در ۱۰ روزی که مادر خزائی، پیگیر آزادی او از سمت عربستان و مسئولان ایرانی حاضر در این کشور بود، با وجود اینکه یکی از ماموران بعثه با او همراه بود و توانسته بود مدیر کنسولگری ایران را هم ببیند اما آن‌گونه که خانواده خزائی می‌گویند، تمام این پیگیری‌ها بی‌نتیجه می‌ماند و مسئولان نیز روند طی شده را برای خانواده خزائی شفاف نمی‌کنند.

تنها خبری که از همسرم داریم دستگیری او توسط دولت عربستان است

همسر محمد خزائی گفت در طول ۱۰ روزی که مادر همسرش در عربستان حضور داشته، دائم درحال جست‌وجوی یک راه ارتباطی با پسرش بود و حتی به همسر پسرش این اطمینان را می‌داد که پس از چند روز، بالاخره محمد آزاد می‌شود. خانواده محمد نیز دلگرم پیگیری‌های مادرش و این وعده‌ها بودند. اما درنهایت پاسخ‌های مبهمی از مسئولان کشورمان دریافت کرده‌اند و بهانه شلوغی حج را می‌آوردند. بالاخره پس از پیگیری‌های فراوان مادر، مسئولان ایرانی به خانواده خزائی خبر داده بودند که دولت عربستان، دستگیری محمد را تایید کرده و به مقامات ایرانی اعلام کرده محمد نزد آنها دستگیر و پاسپورت او نیز ضبط شده است. آن‌طور که همسر خزائی گفت این تنها خبر موثق مطرح شده از سوی مسئولان ایرانی به آنهاست و تمام آنچه مطرح شده، غیرشفاف است یعنی خانواده این حاجی دستگیر شده ایرانی اطلاعی ندارند که اکنون محمد در چه وضعیتی است. فرآیند طی شده برای او از لحاظ حقوقی چیست و چه خواهد بود و چرا تا به امروز، اجازه برقراری هیچ ارتباطی به او داده نشده است؟ فائزه تکلو تاکید می‌کند ۳۰ روز از دستگیری همسرش گذشته و دیگر عدم برقراری تماس و عدم اطلاع از سلامتی او نگران‌کننده است.

«حالا حالش خوب است»، «نهایتا چند هفته دیگر آزاد می‌شود.» فائزه تکلو به «فرهیختگان» گفت تمام آنچه از سمت مسئولان ایرانی شنیده است، تکرار جمله‌های مانند این بود و خانواده خزائی را در جریان امور و وضعیت خزائی قرار نداده‌اند. او در ادامه گفت اخیرا وقتی آقای روح‌بخش، دیگر ایرانی دستگیر شده توسط دولت عربستان سعودی آزاد شده بود؛ ظاهرا به اشتباه به خانواده محمد خزائی، خبر آزادی محمد را داده بودند. درنهایت نیز امروز پس از ۳۰ روز از دستگیری محمد خزائی، همسرش تاکید دارد علی‌رغم پیگیری‌های مکرر اما هنوز وضعیت همسرش نامعلوم است.

از آرمان‌های همسرم دفاع می‌کنیم

تکلو گفت: «انتظار داریم که به‌طور جدی و واقعی، پیگیری‌های لازم برای آزادسازی محمد انجام شود. من به شخصه و خانواده همسرم حامی او، هدف و آرمان‌هایش هستیم و از این بابت ناراحت نیستیم. عده‌ای از مسئولان متاسفانه ما را در پروسه پیگیری وضعیت همسرم سرزنش می‌کردند. اما ما می‌دانیم کار بزرگی انجام داده است. اگرچه پرچم فلسطین را از او ضبط کردند، پیش از این ساعت‌ها برای حمایت از غزه و ضد رژیم‌صهیونیستی به دو زبان فارسی و عربی فعالیت می‌کرد و اگر برای حمایت از مردم مظلوم یمن فعالیت می‌کرد همچنان برای ما ارزشمند است. مخصوصا پس از بیانات رهبری در رابطه با حج برائت، او مصر بود که حتما از این فرصت استفاده کند و یک کار در شأن برای فلسطین انجام دهد؛ چراکه همسرم معتقد بود حج تنها چرخیدن دور خانه خدا نیست و امری فراتر از این است. اکنون انتظار ما این است یک تلاش و اقدام جدی صورت گیرد تا همسرم آزاد شود.» تکلو همچنین در سخنانش به بازداشت خلیل دردمند نیز اشاره کرد و گفت شرایط سیاسی کشور متفاوت بود اما اکنون که دیپلماسی ایران قدرتمندتر است و روابط با عربستان بهبود یافته، از مسئولان درخواست دارد که وضعیت همسرش محمد خزائی شفاف شود.